

کارکرد مفهوم مصلحت در جمهوری اسلامی ایران*

علی علی حسینی^۱
حمیدرضا کشاورز^۲

چکیده

یکی از نظریاتی که در تاریخ علم، ظهور کرده و مورد استفاده قرار گرفته است، برنامه‌ی پژوهشی ایمره لاکاتوش است. لاکاتوش معتقد است هر نظریه یک برنامه پژوهشی است که از دو قسمت هسته سخت و کمر بند محافظ تشکیل می‌شود. هسته سخت، اساس هر اندیشه و نظریه است. برای حفاظت از هسته سخت و مصون نگه داشتن آن از تغییر و تحول، کمر بندهای محافظی وجود دارد که به نوعی تکمیل کننده هسته اصلی نظریه می‌باشد. لاکاتوش میزان پیشرو یا پسرو بودن یک برنامه پژوهشی را به میزان توانمندی و قابل قبول بودن فرضیه‌های کمکی می‌داند. مقاله حاضر اندیشه جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک برنامه پژوهشی در نظر گرفته است و سعی دارد به این سؤال پاسخ گوید که، متناسب با اندیشه ایمره لاکاتوش، هسته سخت و کمر بند محافظ در اندیشه جمهوری اسلامی چیست؟ این پژوهش با در نظر گرفتن دین اسلام به عنوان هسته سخت، در تلاش است با برداشتی نزدیک به کمر بند محافظ از مفهوم مصلحت، به تبیین کارکرد آن در جمهوری اسلامی بپردازد و بر این نکته تأکید کند که، مفهوم مصلحت در جمهوری اسلامی همان کارکردی را داراست که از آن تحت عنوان کمر بند محافظ در دیدگاه لاکاتوش یاد می‌شود. لذا بکارگیری مفهوم مصلحت از سوی حامیان هسته سخت، تلاشی است تا ضمن جلوگیری از رد و ابطال هسته سخت، امکان تحول و توسعه و تحول آن را فراهم کند. این مهم با استفاده از روش کتابخانه‌ای از طریق رجوع به اندیشه بنیانگذار انقلاب و رهبر کنونی جمهوری اسلامی، پی گرفته شده است.

کلید واژه‌ها: لاکاتوش، هسته سخت، کمر بند محافظ، اسلام، مصلحت، جمهوری اسلامی، اندیشه

*. این مقاله مستخرج از پایان نامه حمیدرضا کشاورز، دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان با عنوان «تجزیه و تحلیل کارکردهای مفهوم مصلحت در جمهوری اسلامی ایران» می‌باشد.

Email: ali.alihosseini@gmail.com

۱- عضو هیات علمی رشته علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (نویسنده
مسئول)

Email: keshavarzreza1979@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

مقدمه

این واقعیت که واژگان به دلیل انتقال معانی ذهنی در شکل‌دهی به رفتارها و حتی ارزیابی سیاست‌ها، نقش محوری ایفا می‌کند، پژوهش‌گران را به آنجا رهنمون شده تا نسبت به جهان معنایی واژگان بسیار حساس بوده و حتی معادلات قدرت را تابعی از بازی‌های زبانی بدانند. این موضوع اهمیت دوچندان می‌یابد وقتی که واژه‌ی مورد نظر، با شکل‌دهی به نظریه‌ای خاص به راهنمای نظری و عملی پیروان آن نظریه بدل شود. وضعیتی که در خصوص مفهوم مصلحت رخ داده و به همین خاطر شاهد شکل‌گیری جریان‌های فکری مختلف در ارتباط با نحوه مواجهه‌شان با این مفهوم می‌باشیم. واژه مصلحت که از جمله مفاهیم فقه سیاسی است نقش حائز اهمیتی در حوزه اندیشه اسلامی دارد. این مفهوم در طول تاریخ در فقه سیاسی تشیع و تسنن همواره مطرح بوده است. این مفهوم که در حوزه‌ی اندیشه‌ی سیاسی بسیار مورد کنکاش و بررسی قرار گرفته است از مهم‌ترین ارکان و مبانی تصمیم‌گیری حاکم در ابعاد گوناگون جامعه‌ی بشری است. در طول تاریخ اسلام همواره متفکران بسیاری در باب مصلحت به ارائه‌ی نظرات خود پرداخته‌اند. فقیهان شیعه گرچه در بابی خاص از آن سخن نگفته و زوایای مختلف آن را نکاویده‌اند. اما به مناسبت‌های مختلف، در لابه‌لای مسایل فقهی نکاتی سودمند درباره‌ی آن نگاشته‌اند. با شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی(ره)، ایشان بُعد تازه‌ای به این مفهوم مهم بخشیدند و آن را از حوزه فقه و فقاہت به عرصه‌ی سیاست و اجتماع وارد کردند.

در امر سیاسی، با ابتکار امام راحل(ره) در فرمان تاریخی تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام در جمهوری اسلامی ایران، جایگاه ویژه‌ای یافته است و با این فرمان، ایشان، پرده از هویت جدید این مفهوم برداشتند مصلحت را بیش از پیش به عرصه سیاست و اجتماع و حکومت وارد کردند. مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌شود (صحیفه‌امام(ره)، ج ۲۰: ۱۷۶). تأکید بر مصلحت در بیانات حضرت امام(ره) بسیار مشهود است. علی‌رغم این تأکیدات و علم اندیش‌مندان به اهمیت و تأثیر مصلحت در حفظ اسلام و نظام اسلامی، غالب پژوهش‌های صورت گرفته در باب آن، هم‌چنان به تأکید بر اهمیت آن خلاصه شده و از آسیب شناسی آن تهی است. در این پژوهش ضمن پرداختن به مفهوم مصلحت و کنکاش پیرامون آن، حول پاسخ دادن به این سؤال گام برداشته می‌شود که نقش و کارکرد مفهوم مصلحت در جمهوری اسلامی ایران چیست؟

چهارچوب نظری

مطابق با دیدگاه ایمره لاکاتوش در قالب برنامه‌ی پژوهشی، هر نظریه از دو قسمت اصلی هسته‌ی سخت و کمربند محافظ تشکیل شده است. از دیدگاه لاکاتوش هر برنامه‌ی پژوهشی با هسته‌ی سخت آن مشخص می‌شود. هسته‌ی سخت یا استخوان‌بندی، عبارت است از فرضیه‌های نظری بسیار کلی که اساس یک نظریه علمی به‌شمار می‌آیند (Lakatos.1978:48). این هسته‌ی سخت فرضیه‌های بنیادینی هستند که هسته‌ی مرکزی یک نظریه‌ی علمی را تشکیل می‌دهند و تعدیل یا ترک آنها به منزله‌ی خروج از آن نظریه و ورود به نظریه‌ی دیگری است (محمدرضایی و بیابانکی، ۱۳۸۹:۳۳). این استخوان‌بندی که تحول و توسعه‌ی برنامه‌ی پژوهشی باید با تکیه بر آن صورت می‌گیرد، با تصمیم روش‌شناختی مدافعانش ابطال‌ناپذیر می‌شود (چالمرز، ۱۳۸۷:۹۸). لاکاتوش با ایجاد هسته‌ی اصلی برای نظریه به دنبال آن است تا با ایجاد گزاره‌های کلی، پیوستگی در علم را تبیین نماید (Lakatos.1978:110). هسته‌ی سخت به‌عنوان فرضیه‌های نظری، پایه و اساس اصلی برنامه‌ی پژوهشی لاکاتوش محسوب می‌شود که غیر قابل تغییر است و هر دانشمندی که در این برنامه پژوهشی وارد شود آن را به‌عنوان مبنای اصلی کار خود می‌پذیرد و فعالیت‌های دیگر وی در راستای حفاظت از این هسته‌ی اصلی، و تحلیل و توصیف بیشتر آن می‌باشد و تا زمانی در این برنامه‌ی پژوهشی جا دارد که هسته‌ی سخت و استخوان‌بندی اصلی نظریه را قبول داشته باشد و با رد و عدم قبول آن از برنامه پژوهشی خارج می‌شود. بنابراین هر اندیشمندی که هسته سخت یا استخوان‌بندی را مورد تعدیل قرار دهد از آن برنامه پژوهشی خارج شده است (چالمرز، ۱۳۸۷:۹۹).

کمربند امنیتی نیز، مجموعه‌ای از فرضیات کمکی است که هنگام به خطر افتادن فرضیات اصلی در هسته‌ی سخت برنامه‌ی پژوهشی آنها را فدای حفظ برنامه می‌کنند (مسعودی، ۱۳۸۶:۳۲۹). لاکاتوش کمربندهای محافظ را مرکب از فرضیه‌های کمکی گوناگونی می‌داند که از هسته‌ی سخت در برابر هرگونه ابطال، سرسختانه محافظت می‌کند (لاکاتوش، ۱۳۷۵:۱۱۰). لاکاتوش برای حفاظت از نظریه‌ی اصلی و مصون نگه‌داشتن آن از تغییر و تحول، کمربندهای محافظ را قرار می‌دهد که به نوعی تکمیل‌کننده‌ی هسته‌ی اصلی نظریه می‌باشد. این کمربند توضیحات و اطلاعات لازم را در مورد هسته‌ی اصلی به‌دست می‌دهند. وی تلاش دارد که با طرح کمربندهای محافظ نسبت به رفع نواقص و ایرادات هسته اصلی اقدام نماید و با پردازش و تبیین بیشتر آن، حتی الامکان از تغییر آن جلوگیری نماید. لاکاتوش میزان پیشرو بودن یا پسرو بودن یک برنامه‌ی پژوهشی را به میزان توانمندی و قابل قبول بودن فرضیه‌های کمکی می‌داند که اگر یک برنامه پژوهشی با تغییر در کمربند محافظش موجب تشکیل نظریه‌هایی گردد که پیش‌بینی‌های جدیدی به ارمغان آورد، این برنامه‌ی پژوهشی به لحاظ نظری پیشرو است، و اگر برخی از این پیش‌بینی‌ها تقویت یا تأیید شوند این برنامه به لحاظ عملی نیز پیشرو خواهد بود، اما اگر تغییرات و تفاوت‌هایی که نظریه‌ی جدید نسبت به نظریه‌های قبلی دارد به نحوی باشد که صرفاً

مانع از ابطال هسته سخت گردد و به هیچ پیش‌بینی جدیدی منجر نگردد، برنامه مذکور یک برنامه روبه زوال خواهد بود (محمدرضایی و بیابانکی، ۱۳۸۹: ۲۹).

برنامه پژوهشی لاکاتوش برای پژوهش به نحوی ایجابی و سلبی راهنمون‌هایی را فراهم می‌سازد. راهنمون سلبی یک برنامه این شرط را شامل می‌شود که مفروضات اساسی آن برنامه و استخوان‌بندی اش نباید ترک یا جرح و تعدیل شود (چالمرز، ۱۳۸۷: ۹۸) و یک دستورالعمل است برای پرهیز از به هم زدن هسته‌ی انکارناپذیر و اصلی برنامه (چرنوف، ۱۳۸۸: ۲۱۱). در اینجا حفظ و حراست از استخوان‌بندی برنامه اصلی اساسی به‌شمار می‌رود و عدم رعایت آن به معنای خروج از برنامه‌ی پژوهشی می‌باشد. راهبردهای سلبی شامل راهنمایی‌ها و دستورالعمل‌هایی می‌شود که عموماً جنبه‌ی سلبی دارند و می‌گویند چگونه نباید برنامه پژوهشی را پیش‌برد که به هسته‌ی سخت لطمه‌ای وارد شود و معمولاً به اضافه شدن فرضیاتی متناسب با همان راهبردها منجر می‌شوند (مسعودی، ۱۳۸۶: ۳۸۵). راهنمون سلبی ایجاد اصلاحات و تغییراتی را در کمربندهای محافظ می‌پذیرد که در راستای تکمیل و تقویت هسته اصلی می‌باشد و بر این بناست که نباید فرضیه‌های متعارض و ناهمگون با استخوان‌بندی برنامه شکل بگیرد و یا پذیرفته شود که منجر به تضاد گردد.

راهنمون‌های ایجابی نیز، دستورالعمل‌ها و قواعد مثبتی هستند که به پژوهشگر می‌گویند چگونه رفتار کند و چه نکاتی را در نظر بگیرد که به حفظ و پیشبرد برنامه‌اش کمک کند (مسعودی، ۱۳۸۶: ۳۲۱). از نظر لاکاتوش راهنمون ایجابی شامل مجموعه‌ای از اقتراحات یا اشارات بعضاً بسط یافته‌ای است که بر چگونگی تغییر یا توسعه متغیرهای ابطال‌پذیر برنامه‌ی پژوهش دلالت دارد (چالمرز، ۱۳۸۷: ۱۰۰). راهنمون ایجابی برای تکمیل استخوان‌بندی است و به اضافه شدن فرضیاتی به برنامه پژوهش منجر می‌شود و به پژوهشگر کمک می‌کند تا بتواند فرضیه‌های کمکی و معقولی را گزینش کند که به پیشبرد برنامه پژوهشی کمک نماید. در مجموع راهنمون‌های ایجابی و سلبی در برنامه پژوهشی که برای تکمیل و توسعه برنامه و جلوگیری از ترک هسته اصلی آن به کار می‌روند، این امکان را فراهم می‌کنند که اگر مشکلی برای پیشرفت برنامه به وجود آید راهکارهایی را برای خروج و رفع مشکلات ارائه دهند.

با توجه به توضیحات فوق مقاله حاضر در تلاش است با توجه به نظریه برنامه پژوهشی ایمره لاکاتوش به تبیین کارکرد مفهوم مصلحت در جمهوری اسلامی ایران بپردازد. به عبارت بهتر برنامه پژوهشی لاکاتوش دو نکته مهم را نمایش داده است. اول آنکه هر نظریه از دو قسمت اصلی تشکیل شده است که پیش از این ذکر آنها به میان آمد، و دوم اینکه نظریه‌ی لاکاتوش حاوی دو توصیه به پیروان یک اندیشه است؛ یکی جلوگیری از وارد آمدن شک و ابطال‌ها به هسته‌ی سخت، که مطابق با اندیشه‌ی لاکاتوش، این مهم توسط تصمیمات روش‌شناسی پیروان آن اندیشه صورت می‌گیرد و دیگری، تلاش در جهت توسعه و تحول هسته‌ی سخت جهت بقای آن نظریه. پژوهش حاضر به تطبیق تمام محتوای اندیشه‌ی لاکاتوش با اندیشه‌ی جمهوری اسلامی نخواهد پرداخت. آنچه در وهله‌ی اول برای این نوشتار حائز اهمیت است، آن است که به شناسایی کمربند محافظ و هسته‌ی سخت اندیشه‌ی جمهوری اسلامی

پیردازد. در مرتبه‌ی بعد با توجه به نظریه‌ی لاکاتوش و تأکید وی بر تصمیم‌رشدشناسی پیروان یک اندیشه، به این مهم در اندیشه امام خمینی(ره) به‌عنوان بزرگ‌ترین قایل به نظریه‌ی جمهوری اسلامی، پرداخته خواهد شد. که همین مسأله اگر چه خود، زمینه‌ی تحول هسته را بصورت تطبیق آن با شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی، فراهم می‌آورد. اما پرداختن به جزئیات این تحول و توسعه نیازمند فرصتی دیگر است. لذا به بحث چگونگی تحول و توسعه هسته‌ی سخت اندیشه‌ی جمهوری اسلامی نخواهد پرداخت.^۱

این کارویژه‌ی مفهوم مصلحت را می‌توان با توجه به مصلحت‌سنجی‌های صورت گرفته توسط رهبران جمهوری اسلامی در قالب احکام حکومتی استنباط کرد. برای نیل به این هدف، ضمن ایضاح مفهومی مصلحت و حکم حکومتی، به چند مورد از مصلحت‌سنجی‌های صورت گرفته در قالب احکام حکومتی صادر شده از سوی امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) اشاره می‌شود.

۱- مصلحت و کمر بند محافظ

واژه‌ی مصلحت را که از جمله واژگان فقه سیاسی است لغویین، از ریشه صَلَح دانسته‌اند و در مقابل فَسَد نشانده‌اند و از آن تعبیر به ضد فساد یا نقیض فساد کرده‌اند (الشرطوطی، ۱۴۰۳:۶۵۶). این واژه بر وزن منفعت بوده و همین وزن به تعبیر غزالی در المستصفی نزدیک‌ترین معادل برای مصلحت از حیث لغوی است (غزالی، ۱۳۰۲:۱۴۰). واژه‌ی مصلحت از حیث لغت‌شناسی بر وزن منفعت است و در وجه مصدری آن به معنای صلاح به‌کار رفته است چنان‌که منفعت نیز در شکل مصدری به نفع دلالت دارد که در این معنا واژه مقابل افساد است (افتخاری، ۱۳۹۰:۲۰). این مفهوم نشان‌دهنده‌ی علایق گوناگونی است که می‌توان مخرج مشترک آنها را نفع دانست. در زبان فارسی نیز معانی متعددی برای واژه مصلحت در نظر گرفته شده است که دارای ریشه معنایی واحدی هستند از جمله خیر، خوشایند، لذت، علاقه، سود، نعمت، حکمت، علت (افتخاری، ۱۳۹۰:۲۰). معانی بالا با توجه به مرزهای مفهومی که دارند مترادف دقیق آنها نقض می‌شود اما این ریزینی‌ها چندان مورد توجه نوشتار حاضر نیست. در این نوشتار بیشتر تکیه بر معنای اصطلاحی مفهوم مصلحت است.

۱-۱- مصلحت در اصطلاح

معنای اصطلاحی مفهوم مصلحت- متناسب با معنای لغوی آن - عبارت است از: منفعتی که شارع حکیم برای بندگانش خواسته است. این منافع مشتمل بر حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال - به ترتیب

۱. پیش از پرداختن به بحث ذکر چند نکته ضروری است: اول اینکه؛ مطابق با نظریه ایمره لاکاتوش یک نظریه، از طریق تصمیم‌رشدشناسی حامیان و قایلان آن نظریه ابطال ناپذیر می‌شود. در این پژوهش این نکته مفروض گرفته شده که، امام خمینی(ره) به عنوان اولین و بزرگترین قایل به نظریه جمهوری اسلامی، جهت حفظ هسته‌ی سخت روش‌شناسی مصلحت را مطرح کردند. دوم اینکه؛ چنانکه ذکر شد راهنمون‌ایجایی، رهنمودهای تقریبی را شامل می‌شود که حکایت از چگونگی امکان تحول و توسعه برنامه پژوهشی دارد. اگر چه نگارنده معتقد است بحث از چگونگی توسعه و تحول هسته‌ی سخت جمهوری اسلامی نیز بر اساس نظریه لاکاتوش قابل بررسی است اما به دلیل ارتباط این مبحث با علم فقه، از بحث پیرامون آن در این پژوهش خودداری شده است و می‌تواند موضوع پژوهش‌های آتی را به خود اختصاص دهد.

اولویت - می‌باشد (رمضان البوطی، ۱۹۹۲: ۲۷). مبنای این تعریف از رمضان البوطی، دسته بندی است که از غزالی رسیده است:

«منظور ما از مصلحت، صیانت از دین، جان، عقل، نسل و مال است که در هر یک از این اصول پنج‌گانه، مصلحتی نهفته است. پس هر آنچه به تحصیل و تأیید این پنج اصل منتهی شود را مصلحت و غیر آن را مفسده می‌نامیم. مصلحتی که دفع آن دلالت بر مصلحتی دارد» (غزالی، ۱۳۰۲: ۱۴).

غزالی تعریف مصلحت را به اهداف شارع در حمایت از دین، جان، عقل، نسل و مال گره می‌زند و هر چه حمایت از موارد فوق محسوب می‌شود را مصلحت می‌خواند. از دید وی مصلحت همان مقاصد شریعت است و اصل جداگانه‌ای محسوب نمی‌شود. رمضان البوطی محقق و صاحب نظر معاصر نیز به پیروی از غزالی در این زمینه معتقد است:

«مصلحت در اصطلاح علمای دین ممکن است این چنین تعریف گردد: منفعتی که شارع حکیم آن را برای بندگانش در نظر گرفته است و به ترتیب مشخصی شامل حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال آنان می‌شود» (رمضان البوطی، ۱۹۹۲: ۲۷).

۱-۲- حکم حکومتی

در خصوص بررسی انواع و اقسام حکم در لغت و اصطلاح، ضوابط احکام حکومتی و تفاوت آن با احکام اولیه و ثانویه، از سوی اندیش‌مندان، تلاش‌های چندی صورت گرفته است که در پژوهش حاضر به آن پرداخته نمی‌شود.^۱ در باب حکم حکومتی نیز تاکنون تعاریف متعددی ارائه شده است که از میان آنها می‌توان به تعریف علامه طباطبایی اشاره کرد:

«احکام حکومتی تصمیماتی هستند که ولی امر در سایه‌ی قوانین شریعت و رعایت موافقت آنها به حسب مصلحت وقت اتخاذ می‌نماید و طبق آنها مقرراتی وضع نموده و به اجرا در می‌آورد. مقررات نام‌برده لازم الاجرا و مانند شریعت دارای اعتبار می‌باشد با این تفاوت که قوانین آسمانی ثابت و غیرقابل تغییر است و مقررات وضعی قابل تغییر و در ثبات و بقا تابع مصلحتی هستند که آنها را به وجود آورده است و چون پیوسته زندگی جمعی انسانی در تحول و رو به تکامل است، طبعاً این مقررات تدریجاً تبدیل پیدا کرده، جای خود را به بهتر از خود خواهند داد» (طباطبایی، ۱۳۴۲: ۸۳).

حکم حکومتی از منظر امام خمینی (ره) نیز بدین شرح است:

«احکامی که رهبر جامعه با توجه ریاست و ولایتی که دارد صادر می‌کند و با احکامی که در مقام بیان اوامر و دستورات الهی صادر می‌شود متفاوت است» (الرسائل، ۱۳۶۸: ۱۲۰).

بنابراین در مجموع درباره‌ی حکم حکومتی می‌توان گفت: احکام و دستوراتی است که بر اساس ضوابط شرعی و عقلی و بر اساس مصلحت جامعه از سوی حاکم اسلامی برای اجرای احکام و حدود الهی و به منظور اداره‌ی جامعه اسلامی بر اساس مقتضیات زمان صادر می‌گردد (ادیانی، ۱۳۹۰: ۷۶).

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: علی‌رضا ادیانی (۱۳۹۰) کاربرد مصلحت در جمهوری اسلامی ایران، حصون، شماره ۳۱.

نمونه‌هایی از احکام حکومتی صادره از سوی امام خمینی(ره):

۱. حکم تشکیل شورای انقلاب
 امام خمینی(ره) طی حکمی برای تشکیل شورای انقلاب در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۲ خطاب به ملت مسلمان ایران فرمودند:
 به موجب حق شرعی و بر اساس رای اعتماد اکثریت قاطع مردم ایران که نسبت به اینجانب ابراز شده است، در جهت تحقق اهداف اسلامی ملت، شورایی به نام شورای انقلاب اسلامی متشکل از افراد با صلاحیت و مسلمان و متعهد و مورد وثوق، موقتاً تعیین شده و شروع به کار خواهند کرد (صحیفه‌امام(ره)، ج ۲۰: ۱۷۶).
۲. انتصاب مرحوم مهندس بازرگان به‌عنوان نخست وزیر ایران:
 ایشان با توجه به ولایتی که فقیه واجد شرایط در عصر غیبت بر مسلمانان و جامعه دارد اقدام به این انتساب نمودند. امام خمینی(ره) در راستای اشاره به حق شرعی در حکم انتساب مرحوم مهندس بازرگان فرمودند:
 بنابه پیشنهاد شورای انقلاب بر حسب حق قانونی و شرعی ناشی از آرای اکثریت قاطع قریب به اتفاق ملت ایران که طی اجتماعات عظیم و تظاهرات وسیع و متعدد در سراسر ایران نسبت به رهبری جنبش ابراز شده است، جنابعالی را بدون در نظر گرفتن روابط حزبی و وابستگی به گروهی خاص مأمور تشکیل دولت موقت می‌نمایم... (صحیفه‌امام(ره)، ج ۶: ۵۴). ایشان در همین راستا در جای دیگر فرمودند: من باید یک تنبه دیگری بدهم و آن اینکه ایشان (مرحوم مهندس بازرگان) را حاکم کردم، یک نفر آدمی هستم که به واسطه ولایتی که از طرف شارع مقدس دارم ایشان را قرار دادم و ایشان را که من قرار دادم واجب الاتباع است... (صحیفه‌امام(ره)، ج ۶: ۵۴).
۳. حکم عزل آیت الله منتظری از سمت قائم مقام رهبری:
 حضرت امام خمینی(ره) حکم عزل آیت الله منتظری را از قائم مقام رهبری را در تاریخ ۱۳۶۸/۱/۱۸ صادر کردند و فرمودند:
 با سلام و آرزوی موفقیت برای شما. همان‌طور که نوشته‌اید رهبری نظام جمهوری اسلامی کار مشکل و مسؤولیت سنگین و خطیری است که تحمل بیش از طاقت شما را می‌خواهد. به همین جهت شما و هم من از ابتدا با انتخاب شما مخالف بودیم و در این زمینه هردومثل هم فکر می‌کردیم ولی خبرگان به این نتیجه رسیده بودند و من هم نمی‌خواستم در محدوده قانونی آنها دخالت کنم. از اینکه عدم آمادگی خود را برای پست قائم مقامی رهبری اعلام کرده‌اید پس از قبول از شما صمیمانه تشکر می‌کنم. همه می‌دانند که شما حاصل عمر من بوده‌اید و من به شما شدیداً علاقمندم. برای اینکه اشتباهات گذشته تکرار نگردد به شما نصیحت می‌کنم که بیت خود را از افراد ناصالح پاک نمایید و از رفت و آمد مخالفین نظام که به اسم علاقه به اسلام و جمهوری اسلامی خود را جا می‌زنند جداً جلوگیری کنید... (صحیفه‌امام(ره)، ج ۶: ۳۳۴).

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و مصلحت در صدور حکم حکومتی

۱. لایحه اصلاح قانون مطبوعات:

در سال ۱۳۷۹ قوه قضاییه با مطبوعات متخلف برخورد کرد و تعدادی از آنها را توقیف نمود. این عمل قوه قضاییه موجب شد که در نخستین روزهای آغاز به کار مجلس ششم، تعدادی از نمایندگان مجلس طرحی با عنوان اصلاح قانون مطبوعات به قید یک فوریت به مجلس آوردند که فی الواقع در پی گسترش آزادی‌های مطبوعاتی بودند. در چنین شرایطی که گویا مطبوعات کشور به پایگاه دشمن تبدیل شده بودند رهبر معظم انقلاب با ملاحظه مصلحت نظام و کشور، با صدور حکم حکومتی خطاب به ریاست مجلس و نمایندگان وقت مجلس مرقوم فرمودند:

باسمه تعالی

جناب آقای کروی ریاست محترم مجلس شورای اسلامی و حضرات نمایندگان محترم

با سلام و تحیت

مطبوعات کشور سازنده افکار عمومی و جهت دهنده به همت و اراده‌ی مردمند. اگر دشمنان اسلام و انقلاب و نظام اسلامی، مطبوعات کشور را دست بگیرند، یا در آن نفوذ کنند، خطر بزرگی امنیت و وحدت و ایمان مردم را تهدید خواهد کرد و اینجانب سکوت خود و دیگر دست اندرکاران را در این امر حیاتی جایز نمی‌دانم. قانون کنونی تا حدودی توانسته است مانع از بروز این افت بزرگ شود و تغییر آن به آنچه در کمیسیون مجلس پیش‌بینی شده، مشروع و به مصلحت نظام و کشور نیست.

والسلام علیکم

سید علی خامنه‌ای

۷۹/۵/۱۵

۲. تأیید صلاحیت آقایان معین و مهرعلی زاده در انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری

رد صلاحیت این افراد منجر به بروز تنش و اعتراضات دانشجویی در سطح جامعه شد. در چنین شرایطی رئیس مجلس شورای اسلامی، در نامه‌ای به رهبری خواستار تجدید نظر شورای نگهبان در بررسی صلاحیت کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری شد که به دنبال آن مقام معظم رهبری با ملاحظه مصلحت نظام در نامه‌ای به دبیر شورای نگهبان نوشتند:

آیت الله جناب آقای جنتی دبیر محترم شورای نگهبان (دامت برکاته)

با سلام و تحیت و تشکر از خدمات آن شورای محترم در تلاش برای احراز صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری اسلامی دوره نهم و با رعایت موازین قانونی در این امر، از آنجا که مطلوب آن است که همه افراد کشور از صاحبان سلائیق گوناگون فرصت و مجال حضور در آزمایش بزرگ انتخابات را بیابند، لذا به نظر می‌رسد نسبت به اعلام صلاحیت آقایان دکتر مصطفی معین و مهندس مهرعلی زاده، تجدید نظر صورت پذیرد.

به دنبال نامه مقام معظم رهبری به شورای نگهبان، این شورا با ارسال نامه‌ای به معظم‌له، صلاحیت نام‌برندگان را تأیید کرد (ادیانی(ب)، ۱۳۹۰: ۸۲-۸۰).

۳. لغو انتصاب آقای اسفندیار رحیم مشایی به عنوان معاون اول ریاست جمهوری دهم: آقای مشایی در ۲۷ تیرماه ۱۳۸۸ به عنوان معاون اول رئیس جمهور دهم معرفی شد. این انتخاب با تنش‌ها و مخالفت‌هایی در طیف مخالفان و حتی برخی از حامیان آقای رئیس جمهور روبرو شد. در پی بروز این تنش‌ها، مقام معظم رهبری با رعایت مصلحت کشور و دولت، در نامه‌ای به رئیس جمهور دستور عزل وی را صادر کردند. ایشان در نامه مرقوم داشتند:

بسمه تعالی

جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد، ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام و تحیت

انتصاب جناب آقای اسفندیار رحیم مشایی به معاونت رئیس جمهور بر خلاف مصلحت جنابعالی و دولت و موجب اختلاف و سرخوردگی میان علاقمندان به شماست. لازم است انتصاب مزبور کان‌لم‌یکن اعلام گردد.

سید علی خامنه‌ای

۱۸۸/۴/۲۷

در ارتباط با احکام فوق ذکر دو نکته حائز اهمیت است.

نکته‌ی اول: بنابر تعریفی که از احکام حکومتی مطابق با نظر علامه طباطبایی و حضرت امام(ره) ارائه شد، نفس صدور این احکام از سوی حاکم جامعه اسلامی به جهت رعایت مصلحت صورت می‌گیرد. ساورسقلی، ضمن اشاره به ویژگی‌های حکم حکومتی، مصلحت نهفته در صدور حکم حکومتی بدین صورت شرح می‌دهد. وی معتقد است:

۱. حکم حکومتی، در حقیقت یک نوع اعمال اختیاری حاکم اسلامی است که وظیفه افراد جامعه را به‌طور کلی مشخص و روشن می‌کند و پیروی از آن برای همه مردم لازم است.

۲. گاهی حکم ولایی در مواردی است که میان حقوق افراد اصطکاک باشد. در این صورت حکم حاکم فیصله دهنده‌ی خصومت و درگیری می‌گردد. ضمن اینکه خودش نیز گاهی می‌تواند مداخله کند؛ نظیر دستور به مسکوت گذاشتن پرونده‌ها یا مجازات و یا عفو مجرمی بنابر مصلحتی که تشخیص می‌دهد.

۳. موضوع حکم حاکم به‌طور غالب، جزئی و در رابطه با واقعه خاصی است، مانند تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی.

۴. نقض حکم حاکم برای هیچ‌کس جایز نیست؛ زیرا موجب تزلزل و ایجاد هرج‌ومرج در اداره جامعه می‌شود و این معنا با مصلحتی که شارع مقدس از انتصاب حاکم در نظر داشته‌است، نقض می‌گردد.

۵. از آنجا که حکم حکومتی از سوی ولی امر مسلمانان و بر اساس مصالح امت جعل و اعمال می‌شود، این حکم در زمان‌های بعدی و در صورت تغییر مصلحت قابل تأسی نیست اگر چه از سوی معصوم صادر شده باشد (ساورسغلی، ۱۳۷۹: ۲۶).

نکته‌ی دوم: مصلحت در موارد مذکور، خاصه در احکام حکومتی صادره از سوی مقام معظم رهبری، همواره در جهت جلوگیری از وارد آمدن خدشه به یک کلیت مهم‌تر مورد استفاده قرار گرفته است. اهمیت این کلیت به قدری است که جهت محافظت از آن، از طریق تحقق اصل مصلحت و احکام حکومتی، می‌توان نه تنها از احکام ثانویه، بلکه از مرز احکام اولیه نیز گذشت (حقیقت، ۱۳۸۹: ۳۲). امام خمینی(ره) در جریان قانون اراضی شهری (۲۹ مرداد ۱۳۶۰) در پاسخ به نامه‌ی رئیس مجلس وقت می‌نویسند:

«آنچه در حفظ نظام جمهوری اسلامی دخالت دارد که فعل یا ترک آن موجب اخلال نظام می‌شود و آنچه ضرورت دارد که ترک آن یا فعل آن مستلزم فساد است و آنچه فعل یا ترک آن مستلزم حرج است، پس از تشخیص موضوع به وسیله‌ی اکثریت و کلالی مجلس شورای اسلامی با تصریح به موقت بودن آن، مادام که موضوع محقق است و پس از رفع موضوع خود به خود لغو شود، در تصویب و اجرای آن مجازند» (صحیفه‌امام، ۱۵: ج ۱۸۸).

افتخاری در باب این نامه معتقد است که اهمیت حفظ نظام به‌عنوان مهم‌ترین امر واجب، می‌طلبد که حکومت اسلامی سیاستی را که تأمین مصالح عامه می‌کند، اتخاذ کند (افتخاری، ۱۳۹۰: ۱۶۶). فقره‌ی فوق و برداشت افتخاری از آن به بهترین نحو کارکرد ابزاری و کمربندگونه‌ی مفهوم مصلحت جهت حفاظت یک کلیت مهمتر که در اینجا نظام سیاسی اسلام است را نشان می‌دهد. نکته‌ی اخیر حکایت از آن دارد که مطابق با مدعای فصل حاضر، مصلحت در جمهوری اسلامی همان کارکردی را داراست که کمربند محافظ در نظریه‌ی لاکاتوش ایفا می‌کند.

۲- اسلام و هسته‌ی سخت

آنچه در وهله‌ی بعد حائز اهمیت است آن است که این استفاده‌ی کمربندگونه از مفهوم مصلحت در جهت محافظت و حراست از چه چیزی صورت می‌گیرد؟ به زبان دیگر، متعلق مصلحت در جمهوری اسلامی ایران چیست؟ به عبارت بهتر استخوان‌بندی و هسته‌ی سختی که مفهوم مصلحت در قبال آن در حکم کمربندی محافظ عمل می‌کند چیست؟ برای پاسخ به این سؤال رجوع مجدد به اندیشه و بیانات معمار کبیر انقلاب ضروری است.

به‌طور کلی امام خمینی(ره) متعلق مصلحت را در پنج مفهوم معرفی فرمودند:

الف: مصلحت نظام:

«آقایان توجه داشته باشند که مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد. امروز جهان اسلام نظام جمهوری اسلامی ایران را تابلوی تمام نمای حل معضلات خویش می‌دانند» (صحیفه‌امام(ره)، ج ۲۰: ۱۷۶).

ب: مصلحت مردم:

«مصلحت (نظام) و مردم از امور مهمه‌ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمان‌های دور و نزدیک زیر سؤال برد و اسلام امریکایی مستکبرین و متکبرین را با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی داخل و خارج آنان پیروز گرداند» (صحیفه‌امام(ره)، ج ۲۰: ۱۷۶).

ج: مصلحت اسلام:

«اگر من خدای نخواستہ یک وقت دیدم که مصلحت اسلام اقتضا می‌کند که یک حرفی را بزنم، می‌زنم و دنبالش راه می‌افتم و از هیچ چیز نمی‌ترسم» (صحیفه‌امام(ره)، ج ۱: ۷۲). «در شرکت نفت خلاف مصلحت اسلام و مسلمین شده است یا توطئه‌هایی مثلاً هست، اینها باید رسیدگی شود» (صحیفه امام(ره)، ج ۹: ۲۱۹).

«در تمشیت همه امور باید انسان آنچه را که مصلحت اسلام است، کسانی که متصدی امور هستند آن چیزهایی که مصلحت اسلام است... را در نظر بگیرند» (صحیفه‌امام(ره)، ج ۱۹: ۲۲۵).

د: مصلحت مسلمین:

«امید است آقایان محترم و طبقه جوان از مصلحین با توجه به وظایف سنگین که ان‌شاءالله در آینده به عهده آنها خواهد بود و حفظ و صیانت اسلام و مصالح مسلمین به دست آنها سپرده خواهد شد از هم اکنون خود را در برابر این سنگر عظیم مجهز و مهیا فرمایند» (صحیفه‌امام(ره)، ج ۲۲: ۶۰).

ه: مصلحت کشور:

«معنای آزادی قلم و بیان این نیست که کسی بر ضد مصلحت کشور قلمش آزاد است که بر علیه انقلابی که مردم به پای آن خون داده‌اند بنویسد، همچو آزادی صحیح نیست» (صحیفه‌امام(ره)، ج ۶: ۱۹۲). «سرنوشت اسلام و کشور خود را به دست کسانی دهید که منفعت خود را بر مصلحت کشور مقدم ندارند» (صحیفه‌امام(ره)، ج ۱۱: ۲۶۹).

در راستای تعیین متعلق مصلحت در جمهوری اسلامی، صرامی معتقد است با توجه به اینکه خصوصیت بارز حکومت اسلامی را، پیاده کردن احکام و خواسته‌های اسلام در سطح جامعه می‌دانیم، لذا متعلق مصلحت را باید از میان چهار احتمال زیر جست:

۱. نظام اسلامی

۲. اسلام

۳. مسلمانان

۴. جامعه اسلامی (صرامی، ۱۳۸۰: ۷۷).

ایشان در جهت تعیین دقیق متعلق مصلحت در جمهوری اسلامی معتقد است:

«گزینه‌ی اول صحیح نیست. زیرا صدور حکم حکومتی متوقف بر وجود یک نظام و حکومت اسلامی نیست، بلکه احکام حکومتی بسیاری در طول تاریخ شیعه، بدون اینکه یک نظام و حکومت اسلامی برپا باشد جریان داشته است. همین که رهبری مشروع در جامعه اسلامی به وجود می‌آید، حکم حکومتی

می‌توانست مصداق پیدا کند» (صرامی، ۱۳۸۰: ۷۷). ایشان ضمن رد احتمال دوم و سوم، هر دو را در احتمال چهارم داخل دیده و متعلق مصلحت را در جمهوری اسلامی ایران، جامعه اسلامی می‌داند (صرامی، ۱۳۸۰: ۷۷).

نقدی که بر تحلیل صرامی وارد است آن است که ایشان به مدد عقل، با نگاهی بیرونی و بدون استمداد از بیانات بنیانگذار انقلاب اسلامی اقدام به تشخیص متعلق مصلحت نموده است. برای پی بردن به جان مایه و هسته‌ی سخت نظریه‌ی جمهوری اسلامی که مصلحت در قبال آن در نقش کمربندی محافظ عمل می‌کند، ضمن نگاهی تاریخی، به اندکی مذاقه بیشتر در اندیشه‌ی امام خمینی(ره) نیاز است. ایشان در تاریخ ۲۵ آبان ۱۳۶۰ در جمع مسؤولان بنیاد شهید فرمودند:

«امروز ما مواجه با همه قدرت‌ها هستیم و آنها در خارج و داخل دارند طرح‌ریزی می‌کنند برای اینکه این انقلاب را بشکنند و این نهضت اسلامی و جمهوری اسلامی را شکست بدهند و نابود کنند و این یک تکلیف الهی است برای همه؛ که اهم تکلیف‌هایی است که خدا دارد، یعنی حفظ جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر ولو امام عصر باشد، اهمیتش بیشتر است، برای اینکه امام عصر هم خودش را فدا می‌کند برای اسلام» (صحیفه‌امام(ره)، ۱۵: ج ۳۶۳).

فقره‌ی فوق طی دو مرحله به معرفی هسته‌ی سخت می‌پردازد. آنچه در ابتدا برداشت می‌شود آن است که حفظ نظام سیاسی در اندیشه‌ی امام راحل(ره) مهم‌تر و مقدم بر هر کلیت دیگری است. اما عبارت «برای اینکه امام عصر هم خودش را فدا می‌کند برای اسلام» در مرتبه‌ی بعد نشان از آن دارد که نظام سیاسی فی‌نفسه هدف نیست. بلکه خود در خدمت برپایی کلیت دیگری به نام اسلام است. نکته‌ی اخیر که خود نقدی است به اندیشه‌ی معتقدان به گزاره‌ی «حفظ نظام از اوجب واجبات است»، نشان می‌دهد حفظ نظام در جمهوری اسلامی ایران طریقت دارد نه موضوعیت. توضیح آنکه حکومت اسلامی در حقیقت برای ادای حقوق مردم (هم‌چون آزادی و...) و هدایت و تربیت آنان در بستر دینی تشکیل می‌شود و برای تحقق احکام الهی و اهداف دین لازم است تا حکومت شکل بگیرد پس حکومت برای تحقق این اهداف است لذا طریقت دارد نه موضوعیت (تقوی، ۱۳۷۸: ۹۲). حال اگر این طریقت یعنی ادای حقوق مردم، انگیزه الهی، تربیت و هدایت مردم در بستر دینی، از بین برود حکومت و نظام دیگر حکومت و نظام الهی نباشد دیگر حفظ آن واجب نیست (تقوی، ۱۳۸۷: ۹۲). حضرت امام(ره) خود نیز طریقت داشتن حکومت را چنین بیان می‌کنند:

«و لا یمكن اجراء احکام الله الا بها، لئلا یلزم الهرج و المرج، مع أن حفظ النّظام من الواجبات الأكیده و اختلال أمور المسلمین من الأمور المیغوضه» (البیع، ج ۲: ۴۶۱).

اجرای احکام الهی بدون [حکومت] امکان ندارد؛ زیرا موجب هرج و مرج می‌شود و به علاوه، حفظ نظام اسلامی از واجبات مهم است و اختلال و آشفتگی در امور مسلمانان، از کارهایی است که مورد نهی قرار گرفته است.

چنانکه روشن است، مقابل حفظ نظام (به معنای اخص) اختلال امور مسلمان و هرج و مرج است که اولی از واجبات مؤکد و دومی از امور میغوض است. همان گونه که سخن حضرت امام(ره) بر می آید، نفس حفظ نظام از زمره‌ی اهداف عالی نیست بلکه حفظ نظام برای اجرای احکام الهی به سان روش است و طریقت دارد. در همین راستا است فرمایشات دیگر ایشان:

«مهم آن انگیزه‌ی الهی است که برگردد همه چیز به خدا. خدا هم که انبیاء را فرستاده، مقصد اصلی این نبوده که حکومت بکنند، مقصد اصلی این نبوده که نظام ایجاد کنند... . انبیاء را فرستاده که تربیت کنند مردم را، نجات بدهند...» (صحیفه امام(ره)، ۱۹ ج: ۲۵۶-۲۵۵). «همه انبیا از صدر عالم تا حالا که آمدند، برای کلمه حق و برای دین خدا مجاهده کردند و خودشان را فدا کردند» (صحیفه امام(ره)، ج ۱۹: ۳۶۳).

از مهم‌ترین این مجاهدت‌ها البته استقرار نظام برای برپایی دین خداست. در مجموع می‌توان این گونه نتیجه گرفت که هسته‌ی سخت در نظریه جمهوری اسلامی، نه نظام سیاسی، بلکه اسلام است. چرا که نظام سیاسی نیز هم عقلاً و هم مطابق با اندیشه معمار جمهوری اسلامی، به جهت خدمت به برپایی تمام و کمال اسلام است که اهمیت دارد.

تا اینجا هسته‌ی اصلی و کمر بند محافظ در اندیشه‌ی جمهوری اسلامی مطابق با دیدگاه حضرت امام پی گرفته شد. مطابق با نظریه ایمره لاکاتوش هسته‌ی سخت با تصمیم روش شناختی طرفداران یک نظریه ابطال ناپذیر می‌شود. سؤال اصلی قسمت حاضر آن است که تصمیم روش شناختی امام خمینی(ره) به‌عنوان اولین و مهم‌ترین قایل به نظریه جمهوری اسلامی چیست؟

۳- تصمیم روش شناختی پیروان در ابطال ناپذیر ساختن هسته‌ی سخت؛ امام خمینی(ره) و برداشت نو از مفهوم مصلحت

انقلاب اسلامی ایران را می‌توان آغاز دوره‌ای تازه در عموم مباحث سیاسی و اجتماعی دانست. دلیل این امر به حضور فعال شریعت در عرصه‌ی تأسیس نظام و اداره‌ی تمام همور جامعه بازمی‌گردد. در این میان آنچه انکار ناشدنی است، نقش محوری امام خمینی(ره) و مرکزیت ایشان در فرایند انقلاب است. ایشان علاوه بر نقش آفرینی در هر سه ساحت انقلاب اسلامی، تأسیس نظام جمهوری اسلامی و مدیریت راهبردی اجتماع، مفهوم مصلحت را هم در مسیر جدیدی قرار دادند، تا جایی که بسیاری معتقدند ایشان نظره‌ی مصلحت را به بلوغ نظری و کاربردی رساندند. در ادامه این مفهوم در سه ساحت فقهی و نظری، ساختاری و کاربردی با رجوع به اندیشه و عمل امام خمینی(ره) پی گرفته می‌شود.

۳-۱- مصلحت در اندیشه‌ی امام خمینی(ره)

از دیدگاه امام خمینی(ره) مصلحت به معنای منافی است که اگرچه به‌طور غیرمستقیم به عموم مردم بازگردد. ایشان در این باره معتقدند:

«مصلحت‌های عمومی از قبیل نبرد با دشمنان، دفاع از سرزمین و حکومت اسلامی»، تعمیر راهها، احداث نیروگاههای برق و امثال آن... [که منافع آن] به عموم مسلمانان بازمی‌گردد، گرچه فرض شود که گروهی یا قشری نمی‌توانند از آن بهره ببرند» (البیع، ج ۳: ۴۳).

با توجه به تعریف فوق ملاک اصلی تحقق مفهوم مصلحت آن است که منافع آن عمومی باشد اگر چه که افرادی نتوانند از آن بهره ببرند. اکنون این سؤال پیش می‌آید که چه اقداماتی در زمره‌ی عمومی محسوب شده که منافع آن به عموم مردم باز می‌گردد.

از دیدگاه حضرت امام(ره) مصلحت تنها به مصالح اقتصادی و سیاسی مربوط نمی‌شوند بلکه مسایل فرهنگی و فرهنگ اسلامی را نیز در بر می‌گیرد. به همان‌گونه که امور معنوی و دینی را نیز شامل می‌شود و نمی‌توان مصلحت را در امور مادی و دنیوی خلاصه کرد (البیع، ج ۲: ۵۳۲).

مبانی نظری این تلقی از مفهوم مصلحت را می‌توان از حیث تاریخی در اندیشه‌ی ملا احمد نراقی سراغ گرفت. وی با طرح این نظریه که اختیارات فقیه، هم سنگ اختیارات رسول اکرم(ص) و ائمه‌ی معصوم(ع) است راه را بر تفکری باز نمود که امام خمینی(ره) شخصیت برجسته آن به‌شمار می‌آید. مطابق دیدگاه نراقی مصلحت از جمله مقولات مهم و حیاتی است که دین نمی‌تواند در قبال آن سکوت اختیار کند. به همین دلیل ایشان مصلحت را در زمره مقولاتی قرار داده است که دین حتماً و لابداً فیه، در قبال آن نظر و راهکار دارد. از آنجا که این مصالح با امر حکومت مرتبط هستند اصل فقاہت که برای حل مسأله ارائه شده است، حوزه‌ی مصلحت را نیز پوشش می‌دهد (نراقی، ۱۳۷۵: مقدمه).

۳-۱-۱- مصلحت از منظر فقهی و نظری

آنچه در ساحت فقهی و نظری نشان دهنده‌ی تأکید و پرداخت حضرت امام(ره) بر مفهوم مصلحت می‌باشد، نظریه‌ی ولایت فقیه است. جهت فهم نحوه‌ی ارتباط نظریه‌ی ولایت فقیه ارائه شده از سوی حضرت امام(ره) با مفهوم مصلحت، رجوع به اندیشه و عمل ایشان ضروری است:

جوهر اصلی این نظریه همان است که در کتاب ولایت فقیه آمده است:

این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم(ص) بیشتر از [اختیارات حکومتی] حضرت امیر(ع) بوده است، یا اختیارات حکومتی حضرت امیر(ع) بیشتر از [اختیارات حکومتی] فقیه است؛ باطل و غلط است. البته فضائل حضرت رسول اکرم(ص) بیش از همه‌ی عالم است و بعد از ایشان فضائل حضرت امیر(ع) از همه بیشتر است؛ لکن زیادی فضائل معنوی، اختیارات حکومتی را افزایش نمی‌دهد. همان اختیارات و ولایتی که حضرت رسول(ص) و دیگر ائمه، صلوات‌الله‌علیهم، در تدارک و بسیج سپاه تعیین ولایت و استانداران، گرفتن مالیات و صرف آن در مصالح مسلمانان داشتند، خداوند همان اختیارات را برای حکومت فعلی قرار داده است. منتهی شخص معین نیست روی عنوان عالم عادل است (ولایت فقیه، ۵۰: ۱۳۸۸).

فقره‌ی پیشین که محتوای اصلی اندیشه‌ی امام خمینی(ره) را نشان می‌دهد، از جهت تحلیل در بردارنده‌ی چندین گزاره‌ی اصلی است که در نهایت نحوه‌ی نقش آفرینی مفهوم مصلحت در اندیشه‌ی ایشان را نشان می‌دهد.

گزاره‌ی اول: اختیارات حکومتی پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) نسبت به اختیارات ناشی از نبوت و امامت‌شان اخص می‌باشد.

به عبارت بهتر، پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار، چندین شأن متفاوت و مکمل هم داشته‌اند که از ناحیه‌ی هر یک اختیاراتی برای ایشان بود و بین آنها خلط نمی‌کردند. به همین دلیل است که امام(ره) در مقام تفسیر، اولویت پیامبر(ص) به مؤمنین را مربوط به شأن نبوتی ایشان می‌دانستند و فرمودند:

«در بحث از اختیارات حکومتی این مسأله مورد استناد ما نیست چرا که اگر کسی قائل شد «النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم» سخنی در باره‌ی رسول اکرم(ص) گفته، بالاتر از اینکه آن حضرت مقام ولایت و حکومت بر مؤمنان را دارد و ما در این باره اکنون صحبتی ندارم» (امام خمینی(ره)، بی‌تا: ۵۹).

در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که شأن حکومتی تنها یکی از شئون رسول خدا(ص) است. لذا اختیارات متفاوت و اطاعتی متفاوت را اقتضا می‌کند. چنان که امام(ره) نیز با بیان اینکه حکومت شعبه‌ای از ولایت است بر این امر تأکید می‌کنند.

«باید عرض کنم که حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه‌ی رسول الله(ص) است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمامی احکام فرعیه حتی روزه، نماز و حج است» (صحیفه امام(ره)، ج ۲۰: ۱۷۰).

گزاره‌ی دوم: واسطه‌ی انتقال حاکمیت سیاسی پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع)، علم لدنی و عصمت نبوده است.

این گزاره در اندیشه‌ی امام خمینی(ره) و به تبع آن در نظریه‌ی ولایت فقیه، با توجه به تفکیک مذکور در ذیل گزاره‌ی اول قابل فهم است. مطابق دیدگاه شیعه شأن رسالتی و امامتی که وظیفه‌ی عمده‌اش دریافت کلام الهی به صورت کامل، حفظ صیانت از آن و ابلاغ و تبلیغ آن بی‌هیچ کم و کاستی است، طلب معصوم بودن و دارای علم لدنی بودن حامل این پیام را دارد (افتخاری، ۱۳۹۰: ۱۵۶). لذا میزان اختیارات حکومتی ارتباطی با زیادی فضائل معنوی و همچنین علم لدنی و عصمت ندارد.

«وقتی می‌گوییم ولایتی که رسول اکرم(ص) و ائمه(ع) داشتند، بعد از غیبت فقیه عادل دارد، برای هیچ کس این توهم نباید پیدا شود که مقام فقها همان مقام ائمه(ع) و رسول اکرم(ص) است؛ زیرا اینجا صحبت از مقام نیست بلکه صحبت از وظیفه است. ولایت، حکومت و اداره‌ی کشور و اجرای قوانین شرع مقدس یک وظیفه‌ی سنگین و مهم است، نه اینکه برای کمک شأن و مقام غیر عادی به وجود بیاورد و او را از حد انسان عادی بالاتر ببرد... [بله] این جزو اصول مذهب ماست که ائمه(ع) چنین مقامی دارند قبل از آنکه موضوع حکومت در میان باشد. چنان که به حسب روایات این مقامات معنوی برای حضرت زهرا(س) هم هست... این مقامات سوای وظیفه‌ی حکومت است (امام خمینی(ره)، بی‌تا: ۵۵).

گزاره‌ی سوم: واسطه‌ی تخصصی انتقال حاکمیت سیاسی عبارت است از علم و عدالت.

این گزاره در پاسخ به این سؤال مطرح می‌شود که: چنانچه واسطه‌ی انتقال حاکمیت سیاسی پیامبر(ص) و ائمه(ع)، علم لدنی و عصمت نیست، پس واسطه‌ی این انتقال چیست؟ حضرت امام(ره) در باب شرایط زمامدار جامعه‌ی اسلامی اظهار می‌کنند:

«شرایطی را که برای زمامدار ضروری است مستقیماً ناشی از طبیعت طرز حکومت اسلامی است. پس از شرایط عامه مثل عقل و تدبیر، دو شرط اساسی وجود دارد که عبارتند از: علم به قانون و عدالت» (امام خمینی(ره)، بی تا: ۵۰).

بنابراین طبق اندیشه‌ی حضرت امام(ره)، جوهره و ماهیت حکومت اسلامی اقتضای آن را دارد که دو رکن اصلی حتماً لحاظ شود.

رکن اول: علم به قوانین الهی

چون حکومت اسلام حکومت قانون است برای زمامداری علم به قوانین لازم می‌باشد؛ چنان که در روایات آمده است... ائمه‌ی ما برای امامت خودشان به همین مطلب استدلال کردند... آنچه مربوط به خلافت است و در زمان رسول اکرم(ص) و ائمه(ع) در باره‌ی آن صحبت و بحث شده و بین مسلمانان هم مسلم بوده، این است که حاکم و خلیفه اولاً باید احکام را بدانند یعنی قانون‌دان باشد (امام خمینی(ره)، بی تا: ۵۰).

رکن دوم: عدالت

زمامدار باید عادل باشد و دامنش به معاصی آلوده نباشد. کسی که می‌خواهد حدود جاری کند یعنی قانون جزای اسلام را به مورد اجرا گذارد، متصدی بیت‌المال و دخل و خرج ملکت شود و خداوند اختیار اداره‌ی بندگانش را به او بدهد، باید معصیت کار نباشد. «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» خداوند تبارک و تعالی به جائر چنین اختیاری نمی‌دهد (امام خمینی(ره)، بی تا: ۵۰).

بدین ترتیب در عصر غیبت، ولی فقیه با توجه به دو رکن اصلی علم به قوانین الهی و عدالت است که به‌عنوان متولی امر حکومت اسلامی و دارنده‌ی اختیاراتی هم سنگ اختیارات حکومت پیامبر اکرم(ص) و معصومین(ع) است (افتخاری، ۱۳۹۰: ۱۵۸).

گزاره‌ی چهارم: نصب الهی در دوره‌ی غیبت برخلاف دوره‌ی حضور، نه به صورت نصب خاص بلکه به صورت نصب عام می‌باشد.

بدین ترتیب در نهایت امام(ره) به این بحث می‌رسند که اِعمال مصالح الهی در امر حکومت در دوره‌ی غیبت، متفاوت از دوره‌ی حضور است و برای این منظور به تعیین فرد یا افراد مشخصی برای تصدی امر حکومت نمی‌پردازد بلکه ویژگی‌های اصلی را که حاکمان باید دارا باشند تا آن مصالح تأمین شوند، بیان می‌کند (افتخاری، ۱۳۹۰: ۱۵۹).

در مجموع با توجه به جمیع نکات مطروح و با عنایت به گزاره‌های چهارگانه، در حوزه اندیشه‌ی حضرت امام(ره)، از منظر فقهی و نظری، مصلحت اقتضای آن را دارد که حکومت توسط فقیه عادل در دست گرفته شود.

۳-۱-۲- مصلحت از منظر ساختار

مراد از ساختار در این قسمت، ساختار حکومت اسلامی است که ربط و نسبت آن با مفهوم مصلحت در اندیشه‌ی امام خمینی(ره) پی‌گرفته خواهد شد.

حکومت اسلامی اساساً در قالب هیچ یک از این الگوهای متعارف نمی‌گنجد. ایشان در مقام بیان نوع حکومت و ساختار سیاسی مورد نظر خود، و در پاسخ به این پرسش که؛ حکومت مورد نظر شما چه الگویی را در عمل محقق خواهد ساخت؟ آن را نخست از اشکال متعارف- دیکتاتوری، سلطنتی، دموکراسی و کمونیستی- تمیز داده و سپس اظهار می‌دارند:

«ما خواستار جمهوری اسلامی هستیم، جمهوری فرم و شکل حکومت و اسلامی یعنی محتوای آن فرم که قوانین الهی است» (صحیفه امام(ره)، ج ۴: ۱۵۷).

همان‌گونه که افتخاری معتقد است، نتیجه این دیدگاه آن است که اسلام در خصوص شکل حکومت گزینه‌ی خاصی را از قبل مشخص نساخته و تنها اصول کلی را بیان کرده است که در هر دوره و زمانی متناسب با شرایط موجود می‌توان نسبت به انتخاب بهترین برای تحقق آن اصول اقدام کرد (افتخاری، ۱۳۹۰: ۱۶۴). بدین ترتیب یک گونه‌ی مهم از مصلحت سنجی ساختاری نزد امام(ره)، انتخاب شکل جمهوری برای حکومت است.

۳-۱-۳- مصلحت از منظر کاربرد

گذشته از ملاحظات مصلحت در ساحت فقهی- نظری و ساختاری، قاعده‌ی مصلحت به شکل نهادی و در سازمان سیاسی قدرت تعریف و عملیاتی شد و بدین صورت از یک نظریه‌ی ساده و با کاربرد محدود به نهادی رسمی و قانونی تبدیل گردید. امام(ره) با فرمان به تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، گامی مهم در راستای کاربردی و نهادی ساختن مفهوم مصلحت در جمهوری اسلامی ایران برداشتند.

مجمع تشخیص مصلحت نظام به مثابه تجلی سازمانی مقوله‌ی مصلحت در اندیشه‌ی امام(ره) مطرح است. این نهاد به‌عنوان نهاد ناظر به مصالح عام در درون الگوی شیعی از حکومت اسلامی، مطابق با دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) و طی یک جریان طبیعی مبتنی بر آموزه ولایت فقیه شکل گرفت (افتخاری، ۱۳۹۰: ۱۶۶). نظریه‌پردازی و عملیاتی و کاربردی ساختن مفهوم مصلحت در اندیشه‌ی حضرت امام(ره)، در نهایت راه بدان‌جا برد که بررسی تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، در دستور کار شورای بازنگری قانون اساسی قرار گرفت و در قالب اصل ۱۱۲ تصویب و نهایی شد. این اصل بیان می‌دارد:

«مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضاء ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید» (فقیه‌نصیری، ۱۳۹۱: ۵۸).

این تحول در مفهوم و متعاقب آن، جایگاه مصلحت توسط امام خمینی(ره)، به همراه فرضیات کمکی و مقوم، تلاشی است روش شناسانه در جهت ابطال ناپذیر ساختن هسته سخت اندیشه جمهوری اسلامی ایران.

۴- فرضیات کمکی مقوم:

مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌شود (صحیفه امام(ره)، ج ۲۰: ۱۷۶). برای پرداختن به فرضیات کمکی مقوم هسته سخت، این فرموده امام خمینی(ره) راه‌گشاست.

در سخن فوق ابتدا می‌توان هسته سخت اندیشه حضرت امام(ره) به‌عنوان موسس و بانی نظام جمهوری اسلامی را دید که همان اسلام است و این نکته بار دیگر یکی از فرضیات مقاله حاضر را تأیید می‌کند. در کنار این مسأله، آنچه اهمیت کلیدی دارد مصلحت است. توضیح آنکه تأکید در فرمایش فوق بر مسأله مصلحت نظام است و این بدین معنی است که هم مصلحت و هم هر قید با آن، در کنار اهمیت کلیدی که دارد، در حکم ابزار و وسیله‌ای است که در راستای حراست و حفاظت از دین اسلام به‌عنوان هسته سخت مورد استفاده قرار می‌گیرد. و این نکته نیز یکی دیگر از مدعیات پژوهش پیش‌رو را تأیید می‌کند.

در کنار این دو نکته، نگارنده این سطور معتقد است که تمام فرمایش فوق خود یک فرضیه است که با هدف تقویت هسته سخت مطرح شده است.

به عبارت بهتر، پیش‌تر اشاره شد که مطابق دیدگاه لاکاتوش، میزان پیشرو بودن یا پسرو بودن یک برنامه‌ی پژوهشی به میزان توانمندی و قابل قبول بودن فرضیه‌های کمکی بستگی به‌گونه‌ای که اگر یک برنامه پژوهشی با تغییر در کمر بند محافظش موجب تشکیل نظریه‌هایی گردد که پیش‌بینی‌های جدیدی به ارمغان آورد، این برنامه‌ی پژوهشی به لحاظ نظری پیشرو است. همین نکته مسأله اصلی است و این خود پیشرو بودن اندیشه جمهوری اسلامی را تأیید می‌کند.

به زبان روشن‌تر، فرمایشاتی همچون، «مصلحت (نظام) و مردم از امور مهمه‌ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمان‌های دور و نزدیک زیر سؤال برد و اسلام امریکایی مستکبرین و متکبرین را با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی داخل و خارج آنان پیروز گرداند» (صحیفه امام(ره)، ج ۲۰: ۱۷۶).

«اگر من خدای نخواسته یک وقت دیدم که مصلحت اسلام اقتضا می‌کند که یک حرفی را بزنم، می‌زنم و دنبالش راه می‌افتم و از هیچ چیز نمی‌ترسم» (صحیفه امام(ره)، ج ۱: ۷۲).

«در تمشیت همه امور باید انسان آنچه را که مصلحت اسلام است، کسانی که متصدی امور هستند آن چیزهایی که مصلحت اسلام است... را در نظر بگیرند» (صحیفه امام(ره)، ج ۱۹: ۲۲۵).

مطابق با ادعای مقاله حاضر و براساس نظریه ایمره لاکاتوش، فقرات فوق علی‌رغم طولانی بودن حکایت از برداشتی نوین از مفهوم مصلحت توسط امام خمینی(ره) دارد. این ابتکار مفهوم مصلحت را از علاوه بر تحول مفهومی از منظری صرفاً فقهی، به عرصه اجتماع و سیاست وارد کرد. این اعطای هویت جدید به مفهوم مصلحت به سان روشی پویا، در کنار ارائه‌ی فرضیاتی مقوم، همان تصمیم‌روشن‌شناختی پیران یک اندیشه و نظریه است. در ابطال ناپذیرکردن هسته سخت. لذا ایشان با این ابداع، مصلحت را در جایگاهی قرار دادند که همواره در جهت حراست از هسته سخت عمل می‌کند به‌گونه‌ای که با توسل به این روش می‌توان به حفظ اسلام و نظام اسلامی در هر عصر و زمانی پرداخت.

مطابق با چهارچوب نظری مورد نظر پژوهش حاضر، بیانات فوق در حکم فرضیاتی‌اند که علاوه بر مشخص کردن هسته سخت و کمربند محافظ در اندیشه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و تأکید بر کارویژه مصلحت در حراست از دین اسلام، حکایت از پویا و پیش‌رو بودن اندیشه جمهوری اسلامی ایران دارد.

نتیجه‌گیری

ایمره لاکاتوش، در نظریه خود در قالب برنامه پژوهشی معتقد است هر نظریه متشکل از هسته سخت و کمربند محافظ، در جهت حراست از هسته است. به همین صورت مطابق با این نظریه، هسته سخت با کمک کمربند محافظ و همچنین تصمیمات روش‌شناختی پیروان آن نظریه، ابطال ناپذیر می‌شود. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن اندیشه جمهوری اسلامی به‌عنوان یک برنامه پژوهشی، به شناسایی هسته سخت، کمربند محافظ و شفافیت تصمیمات روش‌شناختی پیروان آن در جهت مصون نگه‌داشتن هسته سخت از جرح و تعدیل پرداخته است.

با رجوع به اندیشه امام خمینی(ره) و همچنین مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی)، و با عنایت به احکام حکومتی صادره در جمهوری اسلامی توسط رهبران آن، نشان داده شد که آنچه در اندیشه جمهوری اسلامی به‌عنوان کمربند محافظ عمل کرده و همواره از یک هسته سخت حراست به عمل آورده، مفهوم مصلحت است. در مرتبه بعد آنچه اشاره شد که هسته و اصل اندیشه‌ی جمهوری اسلامی، کلیتی است به نام اسلام است. به عبارت بهتر، تصمیمات رهبران جمهوری اسلامی و مصلحت‌سنجی‌های صورت گرفته در قالب حکم حکومتی همواره با عنایت به مصلحت و در جهت حراست از دین مبین اسلام بوده است. و نکته آخر اینکه آنچه با کمک مصلحت، هسته‌ی سخت اندیشه جمهوری اسلامی ایران را ابطال ناپذیر می‌کند، تصمیم روش‌شناختی امام خمینی(ره) - به‌عنوان اولین و بزرگترین قائل به اندیشه جمهوری اسلامی - در این باره است. ایشان با ارائه‌ی تفسیری نو از مفهوم مصلحت تحولی در این زمینه ایجاد کردند و مصلحت را از منظری صرفاً فقهی به عرضه اجتماع وارد کردند به‌گونه‌ای که با فرمان به تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نظام جمهوری اسلامی، مصلحت را به عنوانی روشی همیشه حاضر و پویا، در جهت حفظ و حراست از نظام، اندیشه جمهوری اسلامی و مهمتر از همه، دین اسلام، قرار دادند و این ابداع حضرت امام(ره) همان تصمیم روش‌شناختی پیروان در ابطال

ناپذیر کردن هسته سخت اندیشه است. لذا با عنایت به جمیع نکات مطروحه و مطابق با اندیشه لاکاتوش می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که اندیشه جمهوری اسلامی ایران، برنامه‌ای پیشرو است.

منابع

- ادیبانی، سیدعلی‌رضا (۱۳۹۰)، کاربست مصلحت در جمهوری اسلامی (۳)، حصون، شماره ۳۳، (ب).
 - ادیبانی، سیدعلی‌رضا (۱۳۹۰)، کاربست مصلحت در جمهوری اسلامی (۱)، حصون، شماره ۳۱، (الف).
 - الشرطوطی، سعیدالخورى (۱۴۰۳هـ)، *اقرب الموارد*، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
 - تقوی، سیدمحمدناصر (۱۳۷۸)، *حکومت و مصلحت*، تهران: امیرکبیر.
 - چالمرز، آلن اف (۱۳۷۸)، *چیستی علم، درآمدی بر مکاتب علم شناسی فلسفی*، ترجمه سعید زیبا کلام، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
 - چرنوف، فرد (۱۳۸۸)، *نظریه و زبر نظریه در روابط بین‌الملل*، علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
 - حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۹)، *فقه سیاسی و نقش دوگانه مصلحت*، فصلنامه علمی پژوهشی شیعه شناسی، سال هشتم، شماره ۳۲.
 - موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۱)، *صحیفه امام(ره)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
 - موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۸)، *الرسائل*، چاپ سوم، قم: اسماعیلیان.
 - موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹)، *البیع*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
 - موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۸)، *ولایت فقیه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
 - رمضان‌البوطی، محمدسعید (۱۹۹۲)، *ضوابط المصلحه فی شریعة الاسلامیة*، بیروت: مؤسسه الرسالیة.
 - ساورسفلی، محمدابراهیم (۱۳۷۹)، *حکم حکومتی در سیره نظری و عملی امام خمینی(ره)*، تهران: دانشگاه الزهراء.
 - صرامی، سیف‌الله (۱۳۸۰)، *احکام حکومتی و مصلحت*، تهران: نشرعبید.
 - طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۴۲)، *بحثی پیرامون مرجعیت و روحانیت*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
 - غزالی، محمد (۱۳۰۲هـ)، *المستصفی من علم‌الاصول*، جلد ۲، قم: دارالذخائر.
 - لاکاتوش، ایمره (۱۳۷۵)، *علم و شبه علم*، شاپور اعتماد، تهران: مرکز.
 - مسعودی، جهانگیر (۱۳۸۶)، *هرمنوتیک و نو‌اندیشی دینی*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
 - محمدرضایی، محمد و مهدی بیابانکی (۱۳۸۹)، *تعامل علم و دین بر مبنای روش‌شناسی برنامه پژوهشی لاکاتوش*، فلسفه دین، شماره ۷.
 - نراقی، ملا احمد (۱۳۷۵)، *عوایدالایام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- Lakatos, L. (1978). *The methodology of Scientific Research Programmes*. In J. Worrall & Currie (Eds.) London: Cambridge University Press.